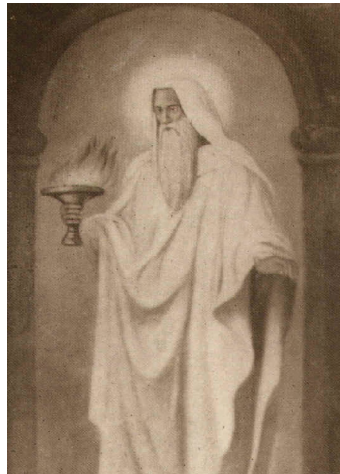


Aromatherapy and Medicine in Ancient Iran

Farid Serajedini(naghshbandi)

گیاه درمانی و پزشکی در ایران باستان

فرید سراج الدینی(نقشبندی)



فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ پزشکی
دانشکده پزشکی دانشگاه شهیدبهشتی تهران
شماره (۲)-1389-

چکیده :

سرزمین ایران در ادوار مختلف تاریخ همواره از کانون‌های مهم علوم گوناگون به‌خصوص داروسازی و کشت و پرورش گیاهان دارویی بوده است. بنا بر روایات اوستا، پادشاهان آریایی پیشدادی نخستین پزشکان و بنیان علوم پزشکی اعم از داروسازی، دارودرمانی و جراحی عهد باستان بوده اند و این علوم در میان اقوام آریایی قبل از مهاجرت نیز در سطحی عالی قرار داشته است. پس از پیشدادیان در دوره پادشاهان متاخر کیانی با ظهور (زرتشت پیامبر) که فیلسوف و دانشمندی برجسته بوده، سرزمین ایران بعنوان یک پایگاه مهم علمی که دیگر تمدن‌ها را از علوم و دانش خود بهره مند ساخته مطرح میشود، اما به رغم تأثیرپذیری اقوام و ملل دیگر از دانش ایرانیان، متأسفانه مرجع مهم باستانی در تاریخ طب ایران برجای نمانده است و در گذر حوادث تلخ تاریخی مانند هجوم بیگانگان و نابود کردن و به آتش کشیدن پایگاه‌های فرهنگی و اسناد تاریخی، امروزه بسیاری از موارد تاریخی از جمله پزشکی ایران باستان به محاق گراییده است. و به‌جز مواردی اندک در اوستا و چند

کتاب پهلوی و اشاره‌هایی محدود در آثار یونانیان، متأسفانه تاکنون مرجع یا سند و کتابی تخصصی در باب پزشکی ایران برجای نمانده است. از این‌رو، تاریخ پزشکی ایران باستان به‌علت کمبود منابع مکتوب به سه دوره محدود شده است: دوره نخست، از عصر پیشدادیان تا ظهور ساسانیان؛ دوره دوم، از آغاز تا انقراض سلسله ساسانی و دوره سوم، از آغاز اسلام تا عصر حاضر.

نوشتار حاضر، پژوهشی مختصر در باب دوره نخست دانش پزشکی ایران است که با استناد به اوستا از نخستین پزشک آریایی عهدباستان (فریدون) تا آغاز شاهنشاهی ساسانی را شامل می‌شود.

واژگان کلیدی

پزشکی ایران باستان؛ گیاه درمانی؛ تخصص‌های پزشکی در اوستا.

گیاه درمانی و پزشکی در ایران باستان

گیاهان دارویی پیوندی ژرف با زندگی انسانها داشته و انسان در ادوارمختلف تاریخ، جهت رفع آلام جسمی خود همواره از گیاهان بعنوان منبع اصلی و مؤثر در درمان سود برده است .

مدارک به دست آمده از تمدن‌های مصریان و سومریان در ۲۵۰۰ سال پیش از میلاد مسیح نشان می‌دهند که این تمدن‌ها با خواص درمانی گیاهان طبی آشنایی داشتند، قدیمی‌ترین نسخه‌های پزشکی مربوط به دوران سومریان در ۳۰۰۰ سال پیش از میلاد است. این مجموعه بالغ بر ۱۵ نسخه است و کهن‌ترین کتاب داروسازی جهان به شمار می‌رود که ترکیب داروها در آن شرح داده شده است. (کریمر، ۱۳۸۳، صص ۴ و ۵۳)

تاریخ استفاده از گیاهان دارویی، (مارجورام)، (کاسیاسیناموم) و (آنینز) در مومیایی کردن اجساد به هزاره سوم قبل از میلاد می‌رسد، پزشکان مصری ۳۰۰۰ سال قبل از میلاد، نخستین تجربه‌های موفق را در جراحی داشتند. طومارهای پاپيروس که از این دوران به جای مانده، حاوی مباحثی چون کالبدشکافی بیماری‌های قلب و عروق و گوارش است. این پاپيروس‌ها را نخستین کتاب‌های پزشکی جهان شمرده‌اند. (اسمیت، ۱۳۸۰، ص ۵۱)

مردم بین‌النهرین بیماری‌ها را زاییده شیاطین می‌پنداشتند؛ اما اکتشافات اخیر، دسته‌ای دیگر از پزشکان سومری را نشان داده است که بدون استفاده از اوراد و اذکار به پزشکی پرداخته‌اند. در میان یافته‌های بین‌النهرین، فهرست بسیاری از علایم بیماری‌ها، نسخه‌های پزشکی و مشورت‌های پزشکی یافته شده است و در رساله‌ای راه درمان بیماری‌هایی مثل صرع، سنگ مثانه و یرقان شرح داده شده است. (بهزادی، ۱۳۸۲، ص ۴۴۷)

امروزه، صدها متن پزشکی اکدی از هزاره اول پیش از میلاد وجود دارد که همه نوع کلمات و عبارات پزشکی سومری در آن دیده می‌شود. (بهزادی، ۱۳۸۲، ص ۴۴۹) در نینوا انواع لوازم جراحی پیدا شده که برای برداشتن کاسه سر به کار می‌رفته است. پزشکان بین‌النهرین در ۲۰۰۰ سال پیش از میلاد، عمل آب مروارید چشم را به وسیله سوزن‌های مفرغی انجام می‌دادند. (بهزادی، ۱۳۸۲، ص ۴۴۹)

ریگ ودای هندوها که به لحاظ قدمت به گاتاهای اوستا نزدیک و از منابع مهم آریایی بشمار میرود، حاوی نام‌های بیش از ۱۰۰۰ داروی گیاهی است. بخشی از ودا به نام (اتروه - ودا) حاوی گزارش‌هایی در مورد علم پزشکی است. در این ودا، فهرستی از بیماری‌ها و علایم آن‌ها ذکر شده است. اتروه - ودا افزوده‌ای به نام (یجور - ودا) یا علم طول عمر دارد. در این کهن‌ترین نظام طب، طبیبان آریایی هند، بیماری را به بی‌نظمی در یکی از چهار خلط (هوا، آب، بلغم و خون) نسبت می‌دادند و درمان با گیاهان دارویی و اوراد مقدس را توصیه می‌کردند. در عهد باستان افزون بر درمان‌های اولیه، روح خدایان را در تندرستی بیماران مؤثر می‌دانستند (بایرناس، ۱۳۸۶، ص ۱۴۳ و فنتزمر، ۱۳۶۶، ص ۹-۲۱).

اوستا کتاب مقدس ایرانیان، حاوی نام بعضی از گیاهان دارویی، انواع بیماری‌ها و دانش پزشکی و پزشکان ایرانی است. اوستا به روایتی چندین برابر کتاب حاضر بوده، اما سه چهارم از این مجموعه ارزشمند از بین رفته و فقط یک چهارم آن به دست ما رسیده است.

در زمان مادها، دانشگاهی مهم تأسیس شد که مجموعه‌ای از دانشمندان آن زمان را در خود جای داده بود. از (هنگمتان) به معنی مرکز دانشمندان یاد شده است. (اوشیدری، ۱۳۷۸، ص ۴۹۵)، هرودت در وصف پادشاه ماد نوشته است، پادشاه روزهایی را جهت رسیدگی به شکایات مردم اختصاص داده بود، و مردم شکایات خود را مینوشتند و پادشاه بر روی آن دستور رسیدگی میداد، این روایت معرف

سطح عالی دانش در جامعه ماد است و نشان می‌دهد، آموزش و پرورش در زمان مادها همگانی بوده و آموزه های زرتشت که بر خلاف تمدنهای پیش و پس از آن، بر تساوی حقوق انسانها استوار بود و، خواندن و نوشتن را مخصوص طبقه ای خاص نمی پنداشت، رایج بوده است.

گیرشمن از شکوفایی کشت و پرورش گیاهان دوران مادها سخن گفته است، وی از گیاهی به نام (اسپست) نام برده و نوشته است یونانیان کشت این گیاه را از مادها اقتباس نمودند. (گیرشمن، ۱۳۸۱، ص ۲۳۵) وی همچنین از خمره‌هایی که در زمان هخامنشیان جهت صادرات دارو از ایران مورد استفاده بوده، سخن گفته و به صادرات عمده ادویه و گیاهان معطر از ایران و هندوستان به کشورهای دیگر اشاره نموده است. (گیرشمن، ۱۳۸۱، ص ۲۳۹)

در زمان هخامنشیان، پس از تسخیر یونان و آشنایی یونانیان با فرهنگ ایرانی پزشکان یونانی تحت تأثیر دانش پزشکی ایرانیان، تحول خاصی در علم پزشکی به وجود آوردند. بقراط یکی از پزشکان یونانی این دوره بود. بقراط (۳۷۷-۴۶۰ پیش از میلاد)، یک نظام پزشکی علمی براساس تشخیص درمان بیماری‌ها با استفاده از گیاهان دارای خواص دارویی، پی‌ریزی نمود. در قرن اول میلادی دیوسکورید پزشک معروف یونانی اساس کار خود را بر پایه کار بقراط بنا نهاده بود و کتاب *دی ماتریامدیکا* را تدوین کرد که از نخستین کارهای معتبر در مورد علم گیاه درمانی است. وی مشخصات و خواص بیش از ۵۰۰ گیاه را در کتاب خویش ارائه کرد. در واقع، دوره هخامنشی دوره پیشرفت یونانیان در طب به حساب می‌آید.

در عصر هخامنشی دانشکده‌های مهم علوم پزشکی در شهرهای بوریسپه، میلت، اریخویی، ری و بلخ، تاسیس شده بود. (حکمت، ۱۳۵۰، ص ۳۸۳ و ضمیری، ۱۳۷۳، ص ۶۱) و کتابخانه‌های بزرگ و مهمی در شهرهای استخر، کهن‌دژ، شاه اردشیر و شپیگان وجود داشت. (حکمت، ۱۳۵۰، ص ۶۴)

تشکیل و گسیل داشتن هیأت‌های علمی اکتشافی از سوی داریوش بزرگ و خشایارشا (هردوت، ۱۳۴۳، ص ۲۱۸-۲۲۲) نشان از اهمیت دانش و پیشرفت‌های علمی ایرانیان در دوران هخامنشی است، همچنین در این دوره دانشکده پزشکی شهر ساییس (مصر) به فرمان داریوش بزرگ، احیاء شد و جوان‌هایی از خانواده‌های

ایرانی جهت فراگیری علوم پزشکی به سالیس اعزام شدند (بیژن، ۱۳۵۰، ص ۳۳۸-۳۲۶؛ سلطانزاده، ۱۳۶۴، ص ۱۹؛ ضمیری، ۱۳۷۳، ص ۶۷).

پزشکی ایران در ادوار مختلف تاریخی

تاریخ پزشکی ایران باستان به علت عدم منابع مکتوب به سه دوره محدود شده است.

دوره اول: از سلسله های شناخته شده در تاریخ سنتی ایران، یعنی دوسلسله پیشدادیان و کیانی، تا ادوار شناخته شده (تاریخ علمی و باستان شناسی) که سلسله های، ماد، هخامنشی و اشکانی، را شامل میشود، متأسفانه از این دوران طولانی، امروزه غیر از اشاره های کوتاهی در اوستا و ادامه آن در بعضی از کتب پهلوی و شواهد و اشاره هایی محدود در منابع یونانی، هیچ مرجع تخصصی در دست نداریم. مهم ترین رویدادهای علمی این دوران احداث دانشگاه ها در زمان پادشاهی ماد و سپس هخامنشی است که متأسفانه غیر از نوشته هایی پراکنده تاکنون مدرک علمی مستندی دال بر پایه و تخصص های علمی و چگونگی آموزش در این دانشگاه ها به دست نیامده است.

دوره دوم: عصر ساسانی، که آثار به جای مانده از این دوران هر چند کامل نیست اما به قدر کافی معرف دانش پزشکی ایرانیان هست. تأسیس بیمارستان جندی شاپور (گندی شاپور) از رویدادهای مهم تاریخ پزشکی ایران زمین است و به خصوص دوران خسرو انوشیروان که تاریخ نویسان از این دوران با نام انقلاب علمی و ادبی ایران باستان نام می برند. نویسندگان و محققان فراوانی در آثار خود، نبوغ ایرانیان در این دوره را ستوده اند.

جندی شاپور نقش مهمی در تاریخ طب ایران داشته است. تأسیس اولیه این شهر به دوران قبل از تاریخ و زمان ورود آریاییها برمی گردد و بعدها به وسیله شاپور تجدید بنا شده است. هدف اولیه وی از این تجدید بنا ایجاد محلی برای استقرار اسیران رومی و یونانی و استفاده از تخصص های آنان بود. (تاریخ پزشکی ایران، ص ۶ و کریستین سن، ۱۳۷۸، ص ۲۹۳).

دانشگاه گندی شاپور، بیمارستان و کتابخانه بزرگی با هزاران جلد کتاب را شامل می شد. (سلطانزاده، ۱۳۶۴، ص ۳۱) از عهد زمامداری خسرو اول اهمیت و اعتبار آن

فزوننی یافت، در سال ۵۲۹ میلادی ژوستینین - امپراتور روم - مدارس آتنی را تعطیل ساخت و در نتیجه، جمعیت فلاسفه پراکنده شدند، و جمعی از فیلسوفان تحت تعقیب و فراری عصر تعصبات مذهبی کلیسایی بیزانس به ایران مهاجرت کردند و در این دانشگاه مستقر شدند.

البته، اقدامات پادشاهان ساسانی، به همین مقدار محدود نمی‌شد. آن‌ها در این راه به فعالیت‌های دیگری نیز دست زدند، اردشیر بابکان مؤسس سلسله، متخصصان ویژه‌ای را به هند و بین‌النهرین و شهرهای بیزانسی نزدیک فرستاد تا آثار مهم را گردآوری نمایند. شاپور فرزند و جانشین او نیز چنین کوششی به خرج داد و پزشکان یونانی را به ایران فراخواند تا به مطالعه پزشکی بپردازند (درانی، ۱۳۷۶، ص ۵۰)، از سوی دیگر، خسرو انوشیروان پزشک مخصوص خویش «برزویه» را برای به دست آوردن کتاب‌های ارزشمند به سفر هند گسیل داشت. او کتاب‌های فراوانی را از هند به ایران منتقل و به زبان پهلوی ترجمه کرد. (گیرشمن، ۱۳۸۱، ص ۳۳۲ و کریستین سن، ۱۳۷۸، ص ۳۰۷)

در دانشگاه گندی‌شاپور، پزشکی بیش از سایر علوم رونق داشت و تألیفات برخی از مشهورترین و نام‌دارترین استادان طب و داروسازی که از این دانشگاه فارغ‌التحصیل شدند، نظیر بختیشوع و ماسویه و یوحنا بن ماسویه، پایه‌گذار اساس علم طب در تمدن اسلام شد (وکیلیان، ۱۳۷۸، ص ۹۹).

دوره سوم: دوره اسلامی است که دانشمندان فراوانی از ایران زمین برخاستند و با استفاده از بن‌مایه علوم دوره ساسانی، و همچنین تحولاتی که در خط و مکتوبات پدید آمد، ایرانیان پیشتازان عرصه‌های مختلف علمی جهان شدند. در این دوره، دانشمندان بزرگ ایرانی چون پورسینا و رازی انقلاب بزرگی در دانش پزشکی ایجاد کردند که تا به امروز جهانیان را تحت تاثیر و وامدار دانش و نبوغ ایرانیان نموده است.

یادداشت حاضر، پژوهشی بسیار مختصر از دوره اول تاریخ پزشکی ایران است که با استناد به منابع محدود، اوستا و برخی اسناد پهلوی تهیه شده است.

گیاه درمانی و پزشکی در ایران باستان

ایرانیان باستان در کشف خواص گیاهان و کاربرد آن در معالجه بیماری‌ها و داروسازی و دانش پزشکی سرآمد دیگر اقوام و تمدن‌ها بوده‌اند. گزارش‌های

وندیداد، یسنا و یشت‌ها و همچنین یادداشت‌های دیگر متون کهن، معرف سطح عالی پزشکی در ایران باستان است.

در مورد گیاهان دارویی در فرگرد ۲۰ وندیداد بند ۶ اشاره شده است: زرتشت از اهوره مزدا پرسید: ای اهوره مزدا، ای سپندترین مینو، ای دادار جهان استومند، ای اشون: چه کسی بود نخستین پزشک خردمند، بیماری را به بیماری بازگرداند، چه کسی بود که مرگ را به مرگ بازگرداند، چه کسی بود که نخستین بار نوک دشنه و آتش تب را از تن مردمان دور راند؟. اهوره مزدا پاسخ داد: ثریت بود نخستین پزشک خردمند، فرخنده، توانگر، فره‌مند، رویین‌تن و پیشداد که بیماری را به بیماری بازگرداند، که مرگ را به مرگ بازگرداند، که نخستین بار نوک دشنه و آتش تب را از تن مردمان دور راند.

او بود که به جست‌وجوی داروها و شیوه‌های درمان برآمد و امشاسپند، شهریور، برای پایداری در برابر بیماری، در برابر مرگ، در برابر درد و تب، در برابر ناخوشی و پوسیدگی و گندیدگی که اهریمن برای گزندرسانی به تن مردمان آفرید، داروها و شیوه‌های درمان را بدو بخشید و آموخت... و من که اهوره مزدا، گیاهان دارویی را که صدها و هزارها و ده هزارها گرداگرد درخت گوگرد روییده است، بدو فرو فرستادم. همه این گیاهان دارویی را با بزرگداشت و آفرین و نیایش برای درمان تن مردمان فرا می‌خوانیم... پایداری در برابر بیماری، مرگ، درد، تب، سردرد، تب لرزه، بیماری، آژن بیماری، آژهو، خوره، مارگزیدگی، بیماری دوروک، بیماری همه‌گیر، بدچشمی، پوسیدگی و گندیدگی را که اهریمن برای گزندرسانی به تن مردمان آفرید... به نیروی گیاهان دارویی، دروج را فرو می‌کوبیم، به نیروی آنها می‌توان دروج را فرو کوفت. ای اهوره: آنها می‌توانند ما را نیرو و توان بخشند.

در فرگرد هفتم بند ۴۴ فریدون یک کارد پزشکی از اهورا مزدا طلب می‌کند و ایزد نگاهبان فلزها، کاردی زرنشان به ثریت می‌دهد. بنابراین، او علاوه بر دانش گیاه‌شناسی و داروسازی نخستین پزشک جراح یا (کارد پزشک) در تاریخ بشمار می‌آید.

در اوستا به گیاه (گوگرد) و (هوم) بسیار اشاره شده است. (دوستخواه، ۱۳۶۱، ص ۳۴۱ و پورداوود، ۱۳۸۰، ص ۱۴۹) گیاه گوگرد یا هوم سفید را شهریار گیاهان دارویی خوانده‌اند. گفته شده است که گیاهان دارویی به شمار ده هزار آفریده

شده‌اند تا در برابر بیماری‌های بسیاری که اهریمن آفریده است، چاره‌گر باشند. (بندهشن، بخش ۹؛ فرگرد بیست و دوم، بند ۲) (هوم ایرانیان) در هند نیز (سوم) شهریار گیاهان دارویی نامیده شده که از آسمان آمده‌اند، گیاهان دارویی هنگام فرود آمدن از آسمان گفتند: هر یک از مردمان که بر ما دست زند، هرگز از هیچ زخمی رنج نبرد. (ریگ ودا، بخش ۱۰، بندهای ۱۷ و ۹۷)

در یسنا هات ۹ (بند ۳ و ۴) از زبان زرتشت گیاه هوم با عنوان (هوم دوردارنده مرگ) خوانده شده است. (دوستخواه، ۱۳۶۱، ص ۱۱۳).

همچنین یسنا ۱۰ پاره ۱۱ کوهستانی به نام (ستروساره) را جایگاه رویش هوم معرفی می‌کند (دوستخواه، ۱۳۶۱، ص ۱۲۴؛ پورداوود، ۱۳۸۰، ۲۴۲).

هوم از جمله گیاهان درمانی و مقدس است که در اوستا و کتاب‌های پهلوی بارها به آن اشاره شده است، از جمله: (همه هوم‌ها را ستایش می‌کنم، چه آن‌ها که بر فراز کوه‌ها و چه آن‌ها که در ژرفای دره‌ها می‌رویند و چه آن‌ها که زنان چیده و در گوشه‌ای نگاه داشته‌اند. (یسنا هات ۱۱ بند ۱۷) هوم را سرور همه گیاهان و استفاده از آن را باعث عمر جاویدان دانسته‌اند. در بخش‌هایی از اوستا گیاه هوم جدا از خواص درمانی ایزد درمان و بسان فرشته‌ای بیان شده است. در یشت‌ها کرده ۱۸، هوم چنین توصیف شده است: (هوم مرگ‌زدای را دربر می‌گیریم، هوم پیروزمند نگاهبان را دربر می‌گیریم، هوم نگاهدار تن را در بر می‌گیریم، آنکه شاخه‌ای از هوم با خود دارد، در رزم از گرفتاری دشمن رهایی یابد. (اوستا، دوستخواه، ۱۳۶۱، ص ۲۰۰).

در اوستا نام گیاهانی خوشبو با خواص درمانی و ضد عفونی کننده محیط زندگی نیز آمده است.

(هذائپتا) اسم گیاهی است و (هذائپتون) صفتی برای آب زور (آب مقدس) تلقی شده است که با فشرده هذائپتا آمیخته شده است. چنانکه در یسنا ۲۲، ۶۶ فقرات ۲ و ۱ آمده است. از این گیاه غالباً با سه گیاه دیگر یاد شده است که به قرار زیر است:

نخست (اورواسنا)، دوم (وهوگئون) و سوم (وهو کرتی). پس از این سه گیاه، هذائپتا ذکر شده است. این گیاهان غالباً خوشبو و برای ضد عفونی کردن و پالایش محیط زندگی مورد استفاده قرار گرفته‌اند. در ونیداد، فرگرد ۸، فقرات ۲ و ۳ آمده است که برای پاک کردن کوخ چوبی و چادری که در آنجا به دینی

مرده باشد، باید با گیاهان مذکور یا یک گیاه خوشبوی دیگر بخور نمود، در فقرات ۷۹ و ۸۰ نیز دوباره از این چهار گیاه به ترتیب مذکور نام برده شده است. در فرگردهای ۹، ۱۴ و ۱۸ ضمن اینکه چهار گیاه با هم ذکر شده، آمده است که باید مقداری از آنها را برای پاک کردن یا ضدعفونی کردن منزلی از آلاینش لاشه و مردار بخور نمود. ظاهراً این گیاهان در مراسم مذهبی و آتشکده‌ها مصرف زیادی داشته‌اند، زیرا در مورد دیگر آمده است که باید مقداری از همین گیاهان را برای کفاره گناهان نذر آتشکده نمود.

امروزه، این گیاهان به طور تحقیق شناخته شده نیستند، اما در سنت عامیانه پارسیان اوروسنا را چوب صندل، وهوگون را درختی که از آن لبان (نوعی صمغ خوشبو) می‌گیرند و هوکرتی را عود و هذائپتا را چوب انار دانسته‌اند. در تفسیر پهلوی نیز نام این گیاهان به ترتیب راسن، هوگون، هوکرت و هدانپاک ذکر شده است.

ابوریحان بیرونی از بخور راسن در خانه‌های زرتشتیان در هنگام جشن سخن گفته است. راسن در طب قدیم، دارویی برای معده بوده است و برگ درخت آن پهن تعریف شده، به همین دلیل به آن پیلگوش هم گفته‌اند. برخی بوی آن را شبیه بوی سیر تعریف کرده‌اند و در بحرالجمهر و تحفه حکیم مؤمن، سوسن کوهی دانسته‌اند. (پورداوود، ۱۳۸۴، ص ۱۳۹ و ۱۴۴)

چنانکه از متون اوستا برمی‌آید، ایرانیان ذوقی لطیف داشته‌اند و به بهداشت و نظافت و سالم نگه داشتن محیط زندگی اهمیت بسیار می‌دادند. در آبان یشت، فقره ۱۳۰ و در ارت یشت، فقره ۷، بوی خوش (هوبئوئیدی) جزو شکوه و بزرگی و مایه زندگانی خوش شمرده شده است.

در بندهشن از رویدنی‌ها سخن رفته و در فقره ۲۴ از ۳۰ گونه گیاهی خوشبو و گل‌ها نام برده شده است که هر یک از آنها به فرشته‌ای نسبت داده شده است. کتاب پهلوی (هوسرو کوتان ورتک) نیز در فقرات ۶۸ و ۹۲ از ۱۸ گونه گل و گیاه از جمله کافور نام برده است.

در انجیل متی، باب دوم آمده است: مغ‌های ایرانی که با دیدن ستاره‌ای، ظهور مسیح را دریافته و به بیت‌الحم آمده بودند، هنگام ملاقات با حضرت مریم به رسم ارمغان با خود زر و کندر و مر به پیشکش آورده بودند. (آناهیتا، ۱۳۸۴، ص ۱۴۳)

در فصل ۲۷ بندهش از گیاهان سخن رفته است. در پاره ۲۴ آمده است هر یک از گل‌ها از آن، یکی از ایزدان بزرگ و فرشتگان است؛ یاسمن از آن بهمن، مورد از آن اهورامزدا، بیدمشک از آن سپندارمز، سوسن از آن خرداد و چمبک از آن مرداد است. (پورداوود، ۱۳۸۰، ص ۱۶۷)

آخرین بخش کتاب دینکرد پهلوی نیز به داروهای گیاهی اشاره دارد و شمار درمان‌هایی را که به وسیله گیاهان دارویی معالجه می‌شود، هفتاد نوع ذکر کرده است، در این کتاب گیاهان به دو طبقه تقسیم شده‌اند: آن‌هایی که سودمند هستند و آن‌هایی که زهرآگین هستند و از آن‌ها به عنوان پادزهر استفاده می‌شود. نمونه اول که تنها گیاه نام برده شده از این دسته است، هلیله و از درختان درمان‌بخش به گوکرن و هوم سفید اشاره شده است، سپس تندرستی به دو گونه تقسیم شده تندرستی روان و تندرستی تن و وابستگی پزشکی روانی و جسمانی، و همچنین به شرح صفات خوب و بد و وجه تمایز میان اخلاط اربعه بدن و نیروهای مخالف یعنی خشکی و سردی و نیز عمل خون و غذا و اعتدال توضیح داده است.

پزشکی در اوستا

به نقل از اوستا و دیگر متون کهن ایران زمین، اولین پزشک آریایی عهدباستان ثریت بوده که از کاربرد گیاهان دارویی و عصاره آن‌ها اطلاع داشته است. سپس ویونگهان و یمه، (جمشید پیشدادی) را نیز از جمله پادشاهانی که پزشک بوده‌اند، معرفی می‌کند. در متون کهن آمده است: جمشید نخستین پزشکی بود که امراض پوستی و استخوانی و دهان و دندان را معالجه کرد، او سازنده هوم و تریاق است و استحمام آب گرم و سرد را مرسوم کرد، ... در دوره پادشاهی او ۷۰۰ سال نه گیاهی خشکید و نه جاننداری بیمار شد.

همچنین به پزشک دیگری به نام ثریت یا اترت پدر گرشاسب اشاره شده است که مرض، مرگ، زخم نیزه و تب سوزان را معالجه می‌کرد. در اوستا آمده است که هوم همچون فرشته‌ای بر زرتشت وارد شد و در جواب پیامبر، از چهار پزشک ایران باستان چنین یاد کرده است: آنگاه به من پاسخ گفت هوم پاک دور دارنده مرگ، ویونگهان مرا نخستین بار میان مردمان خاکی جهان آماده ساخت، این

پاداش به او داده شد که او را پسری بود، آن جمشید دارنده رمه خوب، کسی که در شهریاری خود جانور و مردم را نمردنی ساخت (یسنا، هات ۹، بند ۴، ص ۱۱۵). پس از ویونگهان پدر جمشید پیشدادی و خود جمشید که یکی دیگر از پزشکان آریایی است، زرتشت به ترتیب در بندهای بعدی همچنان پرسش خود را ادامه می‌دهد و هوم در پاسخ به زرتشت می‌گوید، دومین بار آبتین پدر فریدون پیشدادی، سومین بار اترت پدر اورواخسه و گرشاسب و چهارمین بار پوروشسپ (پدر پیامبر ایرانی، اشو زرتشت است). (دوستخواه، ۱۳۶۱، ص ۱۱۶).

همچنین از پزشکان دیگر ایران باستان (سئنا) بوده که بعدها اسطوره سیمرغ نام گرفته است، سئنا ظاهراً نام یا لقبی بوده که ایرانیان به پزشکان حاذق میدادند و کاربرد این نام تا پزشک دوره اسلامی (پور سینا) نزد ایرانیان رواج داشته است. سئنا مربوط به دوره ای است که آموزه های زرتشت فراگیر شده بود، وی به تبعیت از آموزه های زرتشت دانشگاهی تاسیس میکند که یکصد دانشجو در آن به فراگیری علوم مشغول میشوند. فروردین یشت از سئنا چنین یاد کرده است: فروهر پارسای (سئنا، پور اهوم ستوت) را درود می‌فرستیم که با یکصد شاگردبروی زمین زندگی کرد.

بیماریها در اوستا

ایرانیان باستان مانند اقوام بین‌النهرین بیماری‌ها را زاده شیطان می‌دانستند. وندیداد اشاره دارد که اهورا مزدا، آفرینش ۹۹/۹۹۹ بیماری را به انگره مینو، مینوی بد، نصبت داده است، نام شمار زیادی از این بیماری‌ها در اوستا محفوظ مانده، از جمله: واوروشی، اسکندا، آگهوستی، دروکا، کودگها، آستائیره هر چند که محققان در تحقیق نام این بیماری‌ها معادلاتی را آورده‌اند، اما چنانکه از نام‌ها پیداست، امروزه این واژه‌ها مبهم و نامفهوم شده‌اند. (بهزادی، ص ۴۱ و ۴۴۰)

تخصص‌های پزشکی در اوستا

پزشکی در اوستا یک تقسیم‌بندی سه‌گانه دارد که در دینکرد پهلوی به پنج بخش تبدیل شده است.

تقسیم‌بندی اوستا شامل کاردپزشک، گیاه‌درمانی و کلام مقدس (مانتره) است که در دینکرد، اشوپزشک و دادپزشک نیز به آن افزوده و به پنج بخش افزایش یافته است.

۱. اشوپزشک = پزشک بهداشت

۲. گیاه‌پزشک = پزشک در طب سنتی (عطار نیز گفته‌اند)

۳. کاردپزشک = پزشک جراح

۴. دادپزشک = پزشک قانونی

۵. مانتره‌پزشک = پزشک مذهبی و روان‌پزشک. (دوستخواه، ۱۳۶۱، ص ۳۲۳ و بهزادی، ۱۳۸۲، ص ۴۴۲ و اوشیدری، ۱۳۷۸، ص ۱۵۶).

این تقسیم‌بندی در اردیبهشت یشت بند ۶ چنین بیان شده است: یکی از طبیبان به وسیله اشا درمان می‌کند، کسی با گیاه درمان کند، کسی به وسیله قانون، شفا بخشد، کسی با کارد درمان کند، و کسی که با کلام مقدس (مانتره) درمان می‌کند.

۱. اشوپزشک (پزشک بهداشت)

اشوبییشه زو، آسیب‌زدایی به وسیله پاکی و نظافت است (اوشیدری، ۱۳۷۸، ص ۱۵۶). واژه اشو در پنج بخش از سروده‌های زرتشت (گات‌ها) ۱۸۰ بار تکرار شده است. اشو و اشا به معنی راستی و پاکی است. اشو شامل پاکی تن و محیط و نیز پاکی درون (روان و اندیشه) است، اشوپزشک باید دارای هر دو مورد باشد تا بتواند دیگران را درمان کند. وظیفه اشوپزشک توجه به بهداشت و پاک نگه داشتن محیط زندگی و شهر و پاکی تن و رسیدگی به امور بهداشتی و جلوگیری از انتشار بیماری‌های مسری است (یادداشت‌های گات‌ها، ۱۴ و ۱۵ و پورداوود، ۱۳۸۰، ص ۲۶۱) ایرانیان باستان علاوه بر خورشید و ماه و باد، زمین و آتش و آب را مقدس پنداشته‌اند. پاک نگه داشتن این عناصر از پلیدی و نیالودن آن‌ها امری واجب و وظیفه تک تک افراد جامعه بود. به همین دلیل، خود را در آب روان نمی‌شستند و

از شستن اشیای آلوده در آب روان پرهیز می‌کردند. همچنین ادرار کردن و آب دهان انداختن در آب را گناهی بزرگ می‌شمردند، آتش را با مواد سوختنی دودزا و بدبو آلوده نمی‌کردند و همواره جایگاه آتش را پاک نگه می‌داشتند. (هرودت، ۱۳۴۳، ص ۱، ص ۱۳۱ و ص ۱۳۸) خاک و زمین را به ناپاکی و پلیدی آلوده نمی‌کردند، پاکی محیط زندگی، خانه، کوی و محله از کارهای اشو پزشک بود و هر خانواده ایرانی موظف به اجرای این موارد بود (پورداوود، ۱۳۸۰، ص ۲۸۳).

۲. اورو پزشک (گیاه پزشک)

اورو بئیشه زو به معنای پزشک در طب گیاهی که در قدیم عطار نیز می‌گفتند، عنوان پزشکانی بوده که درمان، تجویز دارو و آسیب‌زدایی را به وسیله گیاهان اعمال می‌کردند. کار گیاه‌پزشک شناخت گیاهان دارویی و استفاده از آن‌ها در علاج بیماری‌های مختلف بود (اوشیدری، ۱۳۷۸، ص ۱۵۶ و دوستخواه، ۱۳۶۱، ص ۳۲۳). ایرانیان باستان از اقوامی هستند که گیاهان دارویی را شناسایی و از گیاهان در علاج بیماری‌ها استفاده کرده‌اند. نام دارو نیز از ریشه واژه ایرانی (دار) به معنی درخت است و در پهلوی به داروگ تغییر شکل یافته، و (drug) انگلیسی و فرانسه از ریشه همین واژه ایرانی است. فردوسی نیز در باب پادشاهی انوشیروان به برزوی طیب و گیاه پزشکان اشاره کرده است:

چو برزوی بنهاد سر سوی کوه برفتند با او پزشکان گروه
برفتند هر کس که دانا بدند به کار پزشکی توانا بدند
گیاهان ز خشک و ز تر برگزید ز پژمرده و هر چه رخشنده بود

همچنین داستان رستم، اشاره‌ای به مرهم‌های گیاهی دارد:

گیاهی که گویمت با شیر و مشک بکوب و بکن هر سه در سایه خشک
بر آن مال از آن پس یکی پر من خجسته بود سایه‌ی فر من
(فروغی ۱۳۲۱-ص ۶۶)

۳. داد یا دات پزشک (پزشک قانونی)

داتو بئیشه زو به معنای پزشک قانون (اوشیدری، ۱۳۷۸، ص ۱۵۶)، دات در یشت‌ها کرده ۳۳ به معنی فرشته نماینده قانون (دوستخواه، ۱۳۶۱، ص ۲۳۳) آمده است. این پزشکان بیشتر با علوم پزشکی کار می‌کردند، کالبد شکافی پس از مرگ جهت تشخیص بیماری و پیدا کردن راه درمان برای آیندگان از جمله وظایف آنان بوده. پزشکان قانونی در صورت لزوم اموات را معاینه می‌کردند و پس از اطمینان حاصل کردن از فوت میت برای آن جواز کفن و دفن صادر می‌نمودند، اگر مرده نیاز به کالبد شکافی داشت، آن را کالبد شکافی می‌کردند.

۴. کارد پزشک (پزشک جراح)

کره توبئیشه زو، به معنای پزشک جراح است. نوع بیماری و درمان بیماران توسط این پزشکان، جراحی بوده است. (اوشیدری، ۱۳۷۸، ص ۱۵۶)

وندیداد فرگرد هفتم بند ۳۹، کارد پزشک آزموده را چنین بیان می‌کند: کسی که می‌خواهد کارد پزشک شود، یک دیوپرست را جراحی کند و بیمار خوب شود، او دیوپرست دوم را جراحی کند و بیمار خوب شود، او دیوپرست سوم را جراحی کند و بیمار خوب شود؛ پس آزموده است و همیشه می‌تواند کارد پزشکی کند. (دوستخواه، ۱۳۶۱، ص ۲۱-۳۲۰)

کارد پزشکی یا جراحی همراه با گیاه پزشکی در ایران باستان متداول بود. در اوستا آنجا که فریدون از اهورامزدا یک کارد پزشکی می‌خواهد، گویای این مطلب است که در ایران باستان تنها به داروهای گیاهی اکتفا نشده بلکه همزمان جراحی نیز کاربرد داشته است.

و شاهنامه نیز در ماجرای تولد رستم، به پزشکی که به واسطه جایگاه رفیعش به اسطوره (سئنا) یا سیمرغ تبدیل شده، اشاره کرده است که چگونه رودابه، مادر رستم، را بیهوش نموده و عمل سزارین را روی او انجام می‌دهد. این کار، گواهی دیگر برای مهارت و نبوغ ایرانیان در علم پزشکی است و روشن می‌سازد، ایرانیان اولین کسانی بوده‌اند که در زایمان زنان عمل سزارین را انجام داده‌اند.

پیامد یکی موبد چیره دست همان ماهرخ را به می کرد مست
شکافید بی رنج پهلوی ماه بتایید مر بچه را سر به راه
چنان بی گزندش برون آورید که کس در جهان این شگفتی ندید

پورداوود در کتاب آناهیتا آورده است که عمل سزارین را به واسطه ژول سزار، امپراطور روم، که پزشکان با شکافتن پهلوی مادرش او را به دنیا آوردند، به این نام (سزارین) می خوانند. اما این عمل نزد ایرانیان قدمت بیشتری داشته است و به جا است تا آن را عمل «رستمی» بخوانیم. (پورداوود، ۱۳۸۰، ص ۱۶۳) (فروغی ۱۳۲۱-ص ۶۶)

۵. مانتره پزشک (پزشک مذهبی و روان پزشک)

مانتره پزشک با دعا و آیات کتاب مقدس و روان پزشکی مداوا می کند. (اوشیدری، ۱۳۷۸، ص ۱۵۶).

زرتشت پیامبر در گات‌ها چندین بار خود را ماترن خوانده است. ماترن در مفهوم کلی آن، به معنی کسی است که با خرد و منطق جامعه را بسوی آزادگی و نیک اندیشی هدایت میکند و روح مردمان را از اسارت جهل و خرافه پرستی رها سازد، واژه ماترن اوستا در زبان پهلوی (مانسر) خوانده شده و به معنای کسی است که پیام ایزدی را به مردم برساند، در کتاب ودای هندی‌ها نیز ماترا به معنای سخن و گفتار خدایی آمده است. طبق آیین و فرهنگ ایرانی، نابودکننده تمام بدی‌ها، پلیدی‌ها، کژاندیشی‌ها و زشتی‌ها همان کلام ایزدی (مانسره) است (پورداوود، ۱۳۸۰، ص ۲۶۰). منظور از کلام مانسر، سخن پاک و مقدس یا نیایش‌ها و ستایش‌های دینی است که با آن، بیماران را آرامش می‌دادند و درمان می‌کردند (مانتره درمانی). این کار از ویژگی پزشکی مغان بود، با این تفاوت که مانتره پزشک علاوه بر جایگاه خاص مذهبی از اشوپزشکی و گیاه‌پزشکی هم بی‌اطلاع نبود.

زمانی که افراد بیماری‌های لاعلاج می‌گرفتند یا روان و روح آن‌ها بیمار و پریشان می‌شد، نیایش به درگاه خداوند و خواندن کتاب مقدس (اوستا) بهترین

درمان و آرام‌بخش به‌شمار می‌آید. می‌توان گفت شیوه مانتره به سبب تلقین یا اخلاص مردم، در حد خود بسیار سودمند بود، در وندیداد فرگرد ۷ بند ۴۴ آمده است:

ای زرتشت، اگر پزشکانی گوناگون درمان‌بخش یکی با کارد درمان‌بخش، یکی با دارو، یکی با سخن ایزدی درمان کنند، آن کس که با سخن ایزدی (مانتره) درمان کند، درمان‌بخش‌ترین درمان‌کنندگان است. (دوستخواه، ۱۳۶۱، ص ۳۲۲). ایرانیان باستان همواره توجه و علاقه خاصی به علم پزشکی داشته‌اند و نبوغ آنان در این رابطه را می‌توان در نجوم و نمادها و اسطوره‌ها نیز مشاهده کرد. در بندهش، سرانسان به گرودمان یا گرزمان (بالاترین پایه بهشت) (همان، ص ۹۲) و مغز، به روشنی بیکران شباهت داده شده است. در خصوص قوای ادراک آمده است که، هوش، ویر، دریافت، اندیشه، دانش و فهم همچون شش امشاسپندان (شش فرشته اهورامزدا) هستند. (بهار، ۱۳۷۸، ص ۱۲۴). موی انسان به گیاه و انبوه موها به بیشه تشبیه شده است. موی را به فرشته امرداد که سرور گیاهان نیز به‌شمار می‌رود، منتسب نموده‌اند، رگ‌ها به رودها و خون، به آب جاری در رود تشبیه شده است. گوشت به زمین و پوست به آسمان تشبیه شده، همچنان که آسمان جهان را در بر می‌گیرد، پوست نیز بدن را احاطه می‌کند. گوش‌ها چون نمادی که کلام آفرینش را می‌شنود، به دو روزن (گرودمان) تشبیه شده‌اند. این تشبیهات در بندهش کلیه اندام‌های انسان از جمله دست و پا و دستگاه‌های گوارش و تنفس را نیز شامل می‌شود، شکم به دریا و نماد حیات و دندان به ستاره تشبیه شده، دهان (چون آن در گرودمان است که همواره مزه گوناگون بدو درآید که روان را لطافت و خوشی از اوست و اسپرز (طحال) چون ناحیه اباختر (شمال) که جایگاه زمستان است (همان، ص ۱۲۳).

بندهش گوارش را به این صورت شرح داده است: همان‌گونه که در گیتی، مردم گناه کنند و چون می‌میرند، گناه ایشان را آمار کنند و هر که پاک است، به گرودمان رود و هر که را دروند است، به دوزخ افکنند، به همان‌گونه مردم نیز خورش خورند، هر چه پاک است به مغز سر رود، خون پاک شود، به دل رسد همه تن را نیرو از او بود، هر چه پیش آمیخته است، از شکم به روده رود، همسان دوزخ، همان‌گونه که به باران‌سازی، هنگامی که دروغ ستنه شود، سردی را بیش به آب در هلد، آب را بیفسارد و نبارد یا سرشک را فسارد و تگرگ بارد و زیان

و گزند برآفرینش بود، مردم نیز چون خورش بیش از آن خورند که بتوانند گواردن، به سبب گوارش نیافتن سرشکان کاستی گیرد، کاستی و گزند از او بود. (همان، ص ۱۲۵). در بندهش دستگاه تنفس به باد تشبیه شده است و در زاداسپرم نیز نفس این گونه توصیف شده است: نفس را جای در دل است، چنان که ذاتاً نه گرم است نه سرد، به وسیله آتش درون دل که سردی و رطوبت (شُس) با آن آمیخته است، همان گونه به اندازه گرم شود و همه تن را گرم دارد.

نتیجه

تا پیش از کنار رفتن پرده‌های تاریک تاریخ باستان و اکتشافات جدید باستان‌شناسی در تمدنهای باستانی، ایران، بین‌النهرین و مصر و سند، اکثراً بر این باور بودند که علوم پزشکی از حکمای یونان سرچشمه گرفته و به تمدنهای دیگر راه یافته است. اما اکتشافات باستان‌شناسی از آثار و اسناد تاریخی در کشورهای شرق باستانی معلوم داشت که این علوم ریشه در هزاره‌های گمشده تاریخ دارد و به واسطه اختلاط اقوام و ملل باستانی که گاهی از تفاهم و بعضاً از برخورد تمدنها صورت میگرفت، گسترش بیشتری یافته و هر کدام از تمدنهای باستانی به نوعی بر آن تاثیر گذار بوده است و در این راستا گسترش دامنه شاهنشاهی هخامنشی و به هم پیوستگی فرهنگی خاور و باختر، مهمترین عامل در توسعه و گسترش دانش و علوم به تمدنهای دیگر از جمله یونانیان بوده که آن را به صورت یک دانش منظم درآورده و ترویج دادند.

شواهد تاریخی نشان می‌دهد که با ظهور زرتشت، در ایران باستان انقلاب فکری و علمی عظیمی پایه گذاری شد که بسیار برتر از سطح فکر و اندیشه مردمان آنزمان بود، در این رابطه شاخصترین نمونه تأسیس دانشگاههای بزرگ توسط مادها و سپس هخامنشی است، روندی که شاگردان زرتشت آغاز کردند و ادامه این روند در دوره هخامنشی سنگ بنای تمدنی شد که تا به امروز در صدر تمدنهای باستانی شناخته شده است و تأثیرگذاری ایرانیان بر دانش بشریت را بیش از پیش نمایان می‌سازد.

آموزه‌های زرتشت برخلاف ادیان باستانی که قلب را اندام تفکر پنداشته‌اند، ذهن را به عنوان اندام تفکر می‌شناسد، سروده‌های گات‌ها، بیش از هر چیز، حکمت

زرتشت در هدایت جامعه به دانش و حقیقت و رسیدن به کمال معنوی را آشکار می‌سازد، گات‌ها به کسب علم و دانش و انتشار آن تأکید دارد و در مجموع، انسان به خردگرایی دعوت شده است.

ایرانیان باستان به پیروی از آموزه های اشو زرتشت، با اعتقاد به اخلاق و فضایل انسانی و با نیک‌اندیشی، راست‌گفتاری و درست‌کرداری، تمدنی را بنا نهادند که منبع و منشاء بزرگ‌ترین خدمات به علوم و دانش بشری بوده است، هر چند که اسکندر مقدونی و یونانیان با انقراض سلسله هخامنشی، رویاهای خود را برخاستر تمدن ایرانی بنا نهادند و مکان‌های علمی و آموزشی ویران شد و شکوفایی علمی و فرهنگی ایران به انحطاط گرایید.

اما به رغم کاستی‌های زیادی که وقوع جنگ‌ها و هجوم اقوام بدوی و بیگانه در این سرزمین پدید آورد، پیام جاودانه زرتشت و بانیان تمدن آریایی ایران زمین همچنان پویا تا به امروز مسیر خود را بسوی آیندگان پیموده است.

پی‌نوشت‌ها

- ¹ - گوکرن نام درختی افسانه‌ای است که در دریای فراخ کرت جای دارد. این درخت منبع تمام داروهای گیاهی معرفی شده است. [بنگرید به: اوستا، دوستخواه، ۱۳۶۱، ص ۳۴۱]
- ² - هوم یا هئومه در ودای هندی‌ها به سوم و سئومه ذکر شده است. در سراسر اوستا و ودای سرودهایی درباره این گیاه به جای مانده است. [بنگرید به: آناهیتا، پورداوود، ۱۳۸۰، ص ۱۴۹]

فهرست منابع

- اسدالله، بیژن: سیر تمدن و تربیت در ایران باستان؛ ابن سینا، ۱۳۵۰.
- اسمیت، برندا، مصر باستان، ترجمه آریتا یاسائی. ققنوس، ۱۳۸۰.
- اوشیدری، جهانگیر: دانشنامه مزدیسنا، نشر مرکز تهران، ۱۳۷۸.
- بایرناس، جان: تاریخ جامع ادیان، حکمت، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۶.
- بهبادی، رقیه: قوم‌های کهن، نشر نی، ۱۳۸۲.
- پورداوود، ابراهیم: آناهیتا، پیک ایران، ۱۳۸۰.
- پورداوود، ابراهیم: خرده اوستا، دنیای کتاب، ۱۳۸۴.
- پیرنیا، حسن: تاریخ ایران باستان، افسون، جلد سوم، ۱۳۸۰.
- حکمت، علیرضا: آموزش و پرورش در ایران باستان، مؤسسه تحقیقات علمی و آموزشی، ۱۳۵۰.
- درانی، کمال: تاریخ آموزش و پرورش ایران قبل و بعد از اسلام، سمت، ۱۳۷۶.
- دوستخواه، جلیل: اوستا: مروراید، ۱۳۶۱.
- دیاکونوف، ام: تاریخ ماد؛ ترجمه کریم کشاورز، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۹.
- سلطان‌زاده، حسین: تاریخ مدارس ایران از عهد باستان تا تاسیس دارالفنون، آگاه، ۱۳۶۴.
- ضمیری، محمد علی: تاریخ آموزش و پرورش ایران و اسلام، راهگشا، ۱۳۷۳.
- فنتزمر، پنج هزار سال پزشکی، ترجمه سیاوش آگاه، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۶.
- فروغی، محمد علی: منتخب شاهنامه، وزارت فرهنگ، ۱۳۲۱.

-
- کریستن سن، آرتور، ایران در زمان ساسانیان، ترجمه رشید یاسمی، صدای معاصر ۱۳۷۸.
کریمر، ساموئل: الواح سومری، ترجمه داوود رسایی. علمی و فرهنگی، ۱۳۸۳.
گیرشمن، رمان: تاریخ ایران از آغاز تا اسلام، ترجمه دکتر معین، دنیای کتاب، ۱۳۸۱.
مهرداد بهار، بندهش، انتشارات توس، ۱۳۷۸.
هرودوت: تواریخ؛ ترجمه ع. وحید مازندرانی، علمی و فرهنگی، ۱۳۴۳.
وکیلان، منوچهر: تاریخ آموزش و پرورش در اسلام و ایران، دانشگاه پیام نور، ۱۳۷۸.
-

فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ پزشکی. 1389-شماره (۲)
دانشکده پزشکی دانشگاه شهیدبهشتی تهران

یادداشت شناسه مؤلف : فرید سراج الدینی (نقشبندی)
Farid Serajedini(naghshbandi)/Iran—Kordestan
پژوهشگر تاریخ، کارشناس خط و زبان پارسی باستان.
نشانی الکترونیکی: dara707@gmail.com